ضميمه 5
متهم

مثل متهم در متي 5:25-26، مثلي است در بارة «بخشش در ملكوت خدا».

قرائت: متي 5:25-26.

1- درك داستان طبيعي مَثَل
بحث: در اين داستان، عناصر منطبق با واقعيات زندگي كدامها هستند؟
يادداشتها: بعضي معتقدند كه اين يك مَثَل نيست. اما اين يك داستاني زميني است با معنايي آسماني. آن از يك روش عادي دادگاهي استفاده مي‌كند تا پيامي روحاني را تشريح نمايد. ماجرايي از يك فرايند شناخته شدة دادگاهي بصورت يك اندرز بيان شده است.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد اين مثل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينة داستان در متي 5:21-24 يافت مي‌شود. اين زمينه داراي دو بخش است:

1- متي 5:21-22 به تفسير فرمان ششم از ده فرمان مي‌پردازد.
- مفسرين در خصوص ترجمة مفعول با واسطه در متي 5:21 اختلاف نظر دارند. برخي چنين ترجمه مي‌كنند: «"به" اولين گفته شده است». اين بدان معناست كه موسي در شريعت، چيزي به پدران قوم اسرائيل گفته است، و اينك عيسي با حالتي مبتني بر برتري بر شريعت موسي سخن مي‌گويد. برخي ديگر چنين ترجمه مي‌كنند: «"توسط" اولين گفته شده است»، بدين معنا كه مفسرانِ قديميِ شريعت چيزي گفته‌اند و عيسي اكنون با آن مخالفت مي‌ورزد و آن را خطرناك و ناقص مي‌پندارد. ترجمه دوم به دلايل ذيل درست است. امكان ندارد كه عيسي در متي 5:17 شريعت را تأئيد كند و بعد در متي 5:21 آن را نقض كند. اگر منظور عيسي حكمي بود كه موسي در شريعت اعطا كرده بود، عبارات ديگري به‌كار مي‌برد، نظير «موسي حكم كرده است» يا «مكتوب است» (متي 4:4، ـ 7، ـ 10). در آثار متأخرترِ يهودي براي اشاره به علماي پيشين، نظير رَبّي هيلل و ربي شَمّاي، از عبارت «پدران كهن» استفادهَ مي‌كنند. به‌علاوه، عبارت «گفته شده است» بيشتر حاكي «سنت شفاهي» است تا كلام مكتوب عهدعتيق. نتيجه آن كه اصطلاح «اولين» (يعني قُدَما) اشاره‌اي است عالي به آناني كه شريعت مكتوب عهدعتيق را بصورت شفاهي تفسير كرده بودند. آنچه آنان بر اساس صورت ظاهر شريعت مي‌گفتند نادرست نبود، اما تعليم عيسي نشان مي‌دهد كه اين علماي كهن تأكيد را بر نقطه‌اي نادرست مي‌گذاردند، همان كاري كه فريسيان و فقيهان در روزگار عيسي انجام مي‌دادند.
- مفسران كهن، صورت ظاهر فرمان ششم را درست نقل قول مي‌كردند و مي‌گفتند كه «قتل مكن» (خروج 20:13). همچنين عبارتي كه اضافه كرده بودند، يعني «هر كه قتل كند سزاوار حكم شود» نيز در عهدعتيق يافت مي‌شود (پيدايش 9:6). اما در چارچوب كنوني، اشكال كار آنان آن چيزي نبود كه مي‌گفتند، بلكه آن چيزي بود كه مسكوت مي‌گذاشتند يا چيزي كه بر آن تأكيد نمي‌گذاشتند يا تفسيرش نمي‌كردند ! مفسران كهن و نيز مفسران روزگار عيسي تصويري كامل از فرمان ششم ارائه نمي‌كردند. ايشان فقط صورت ظاهر شريعت را به‌كار مي‌بستند، اما معنا و روح عميق‌تر شريعت را ناديده مي‌گرفتند! آنچه ايشان مي‌گفتند، چيزي شبيه اين بود: «وقتي هفت‌تير يا چاقو يا مواد مخدر بر مي‌داري، مواظب باش چون ممكن است كسي را بكشي.» طبق تعليم عيسي، تأكيد اين مفسران بر صورت ظاهر شريعت ، و ناديده گرفتن علل روحاني كه موجب قتل مي‌شود، سبب مي‌گردد كه شريعت الهي در سطح احكام جزايي انساني تنزل كند. عيسي تعليم مي‌دهد كه ده فرمان خدا چيزي بس فراتر از احكام جزايي است. ده فرمان از عمل ظاهريِ خودِ خطا فراتر رفته، به علل ريشه‌اي اين خطاي ظاهري مي‌پردازد، يعني به حالت گناه‌آلود دل انسان كه مسبب اين اعمال خطا مي‌شود! كلمات تلخ و اهانت‌اميزي كه از دهان انسان بيرون مي‌آيد، چيزي نيست جز بروز خشم و كينه و تلخيِ دل! عمل ظاهري قتل هميشه با حالت گناه‌آلود قلب آغاز مي‌شود. انسان معمولاً به ظاهر مسأله نگاه مي‌كند. خدا هميشه به علت ريشه‌اي نگاه مي‌كند!
- عيسي هشدار داده، مي‌فرمايد كه هر كه به ديگري «راقا» بگويد، عملاً نفرت خود را نسبت به آن شخص نشان مي‌دهد (راقا كلمه‌اي است آرامي به‌معني "كله‌پوك"). هر كه به ديگري «احمق» بگويد، خشم و نفرت و تلخي دل خود را به او اظهار مي‌دارد. عيسي هيچ درجه‌بندي‌اي از اين گناهان بدست نمي‌دهد، بلكه فقط يك مقصود را بيان مي‌دارد. هر كه در قلب خود نسبت به كسي ديگر، خشم و نفرت و تلخي حل‌نشده‌اي را نگاه دارد، مستحق مجازاتِ مرگ از سوي خداست، يعني «مستحق آتش جهنم» مي‌باشد. درسي كه عيسي تعليم مي‌دهد، اين است كه خشم و نفرت و تلخي گناه‌آلود كه منجر به بيان كلمات تلخ مي‌گردد، در نفس خود، قتل مي‌باشد! اين قتلي است كه در قلب صورت مي‌گيرد! چنين

كسي با چنين حالتي، اگر توبه نكند، با مجازات ابدي در جهنم روبرو است. عيسي تعليم مي‌دهد كه ريشة شرارت در قلب انسان نهفته است. در قلب انسان است كه نفرت و بي‌تفاوتي بايد با محبت جايگزين شود، و رياكاري و خودخواهي با صداقت و درستكاري.

2- متي 5:23-24 به كاربرد فرمان ششم مي‌پردازد.

شايد بعضي از مردم فكر مي‌كردند كه اگر خويشتنداري به‌خرج دهند و اين حالات قلبيِ گناه‌آلود را در قالب كلماتِ تلخ بروز ندهند، فرمان ششم را نگاه داشته‌اند. اما عيسي تعليم مي‌دهد كه هرگونه رابطة گسسته‌اي، تخطي از فرمان ششم است. تا زماني كه شخص با برادر يا خواهر خود در هماهنگي و همدلي زندگي نكند، فرمان ششم را مي‌شكند و نمي‌تواند خدا را عبادت كند. حتي اگر آن شخص در ظاهر خدا را عبادت كند، خدا با او ارتباطي برقرار نخواهد كرد! رابطه‌اي پرتنش با هر انساني باعث رابطه‌اي پرتنش با خدا مي‌گردد! اول يوحنا 4:20 مي‌فرمايد: «اگر كسي گويد كه خدا را محبت مي‌نمايم و از برادر خود نفرت كند، دروغگوست، زيرا كسي كه برادري را كه ديده است، محبت ننمايد، چگونه ممكن است خدايي را كه نديده است، محبت نمايد؟»

پس وقتي عيسي مي‌فرمايد: «هرگاه... به خاطرت آيد كه برادرت بر تو حقي دارد»، منظورش مسأله‌اي است كه باعث شده طرف مقابل از ما آزرده شود. عيسي نوع مسأله را تعيين نمي‌كند و نمي‌گويد كه آن مسأله بايد بجا باشد يا نه. او حتي نوع مسأله را تعيين نمي‌كند. او تمام تأئيد را بر نياز به زندگي در صلح و صفا با برادر خود مي‌گذارد. هرگاه بدانيد كه برادرتان فقط فكر مي‌كند كه حق دارد از شما آزرده و ناراضي باشد، بايد بكوشيد كه با او صلح كنيد!

كاربرد مثبتِ عيسي از فرمان ششم اين است كه دل انسان بايد در همه اوقات پر از محبت باشد، نه پر از خشم و نفرت و تلخي. او تعليم مي‌دهد كه عبادت خدا هرگز نمي‌تواند همراه باشد با رابطه‌اي اصلاح‌نشده با برادر يا خواهرمان.

در اين چارچوب است كه عيسي مَثَل متهم را بيان مي‌دارد.

ب) داستانِ مَثَل به شكل يك اندرز، در متي 5:25-26 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربردِ مثل، خودِ آن اندرز است كه در متي 5:25-26 آمده است. شخص بايد اختلاف خود را با مدعي خود خيلي زود حل كند. بايد سريعاً بكوشد تا با شخصي كه فكر مي‌كند يا احساس مي‌كند كه مورد اهانت قرار گرفته است، مصالحه كند. او بايد اين كار را بلافاصله انجام دهد، زيرا برادرِ آزرده‌خاطر يا مدعي ممكن است در فكر اقدامي قانوني باشد، يا شايد هم در اين زمينه قدمي برداشته باشد. باز عيسي نمي‌گويد كه آيا آن مدعي حق دارد يا نه. درضمن، ماهيت آزردگي را نيز ذكر نمي‌كند، گرچه ممكن است مشكلي در خصوص بدهي مالي مطرح بوده باشد (متي 5:26). او تأكيد را نه بر عدالت و انصاف، بلكه بر مصالحه كردن مي‌گذارد! مسأله عدالت و انصاف در اين بخش مورد بحث قرار نگرفته، گرچه اين مسأله نهايتاً در داوريِ نهايي مورد رسيدگي قرار خواهد گرفت.

شخص بايد تمام تلاش خود را بكند تا مسأله را «بيرون از دادگاه» حل كند، تا زماني كه هنوز فرصت اين كار را دارد. بايد بكوشد تا با مدعي خود بطور خصوصي مصالحه كند يا دوست شود، بدون اينكه پاي قاضي يا دادگاه به‌ميان كشيده شود. اگر چنين نكند، به زندان افكنده خواهد شد تا زماني كه بدهي خود را تا به آخر بپردازد.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مَثَل

بحث: كداميك از جزئيات اين مثل واقعاً اساسي يا مربوط مي‌باشد؟

يادداشتها: عيسي براي هيچيك از جزئيات اين مثل معناي خاصي قائل نمي‌شود. اما چارچوب آن نشان مي‌دهد كه در تحليلي نهايي، عيسي در باره قاضي دنيايي سخن نمي‌گويد، بلكه در بارة قاضي آسماني (متي 6:15). او در باره زندان دنيايي سخن نمي‌گويد، بلكه در باره جهنم (متي 5:22؛ـ 18:30،35). اين قلب انسان است كه بايد نسبت به ديگران پر از محبت باشد. عيسي هشدار مي‌دهد كه اگر شخصي بميرد در حاليكه در قلبش خشم و نفرت و تلخي نسبت به كسي ديگر باقي مانده باشد، در اينصورت اين حالت قلبي در داوري نهايي عليه او شهادت خواهد داد و او نخواهد توانست از زندان جهنم بگريزد. منظور عيسي اين است كه شهروندان واقعي ملكوت خدا چنين حالتي را نسبت به ديگران در قلب خود جاي نمي‌دهند.

4- تشخيص پيام اصلي مَثَل

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مثل متهم در متي 5:25-26 در بارة «بخشش در ملكوت خدا» مي‌باشد.

پيام اصلي اين مثل اين است: «زمان مصالحه هميشه الان است!»

«بخشش» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خداست. شهروندان واقعي ملكوت خدا براي مصالحه با برادر يا خواهر خود كه از ايشان آزرده شده‌اند يا ايشان از او آزرده‌اند، منتظر نمي‌مانند و آن را به تعويق

نمي‌اندازند، زيرا فردا ممكن است خيلي دير باشد! كسي كه از تلاش براي مصالحه سر باز مي‌زند، هرگز قادر نخواهد بود بدهي خود را بپردازد.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتابمقدس

الف) قرائت: پيدايش 4:6-7؛ تثنيه 6:5؛ لاويان 19:18؛ امثال 14:17؛ 22:24-25؛ ايوب 5:2.
كشف و بحث: كتاب‌مقدس در باره ريشه شرارت و بدي چه تعليم مي‌دهد؟
يادداشتها: ريشة بدي و شرارت در قلب انسان است. آنچه طبيعت و حالات گناه‌آلود انسان را آشكار مي‌سازد، روح شريعت است نه صورت ظاهر آن. مفسران كهن و امروزي يهودي هيچ عذري ندارند تا تفسير خود را از فرمان ششم، محدود كنند فقط به عملِ ظاهريِ قتل. به‌هنگام نخستين نزاعِ خانوادگي، خدا به قائن فرمود: «چرا خشمناك شدي؟ و چرا سر خود را بزير افكندي؟ اگر نيكويي مي‌كردي، آيا مقبول نمي‌شدي؟ و اگر نيكويي نكردي، گناه بر در، در كمين است و اشتياق تو دارد، اما تو] بايد [بر وي مسلط شوي.» خدا به حالت دروني قائن در قلبش اشاره مي‌كرد. در عهدعتيق، خدا ده فرمان را به اين صورت جمع‌بندي كرده بود: «خدا را دوست بدار» و «همسايه خود را دوست بدار». اين محبت تعيين‌كننده حالت دروني قلب و نيز رفتار ظاهري مي‌باشد. ساير بخشهاي كتاب‌مقدس تعليم مي‌دهد كه حالات قلبي، نظير خشم، سبب مي‌شود كه شخص دست به اعمال احمقانه بزند، و نفرت سبب قتل مي‌گردد.

ب) قرائت: پيدايش 4:5؛ اول سموئيل 15:22-23؛ اشعيا 1:10-17؛ ارميا 6:19-20؛ عاموس 5:22-24 ؛ ميكاه 6:6-8؛ مرقس 12:41-44؛ عبرانيان 11:4.
كشف و بحث: كتاب‌مقدس در باره قربانيها و هدايايي كه مورد قبول خدا نيست، چه تعليم مي‌دهد؟
يادداشتها: قربانيها و هداياي كسي كه قلبش پيوسته آكنده از گناه و بي‌انصافي است، در نظر خدا كاملاً بي‌ارزش است. خدا چنين قربانيها و هدايايي را رد مي‌كند.

ج) قرائت: 1) روميان 12:18ـ 2) امثال 27:1؛ لوقا 4:18-19 را مقايسه كنيد با اشعيا 61:2؛ دوم قرنتيان 6:2.
كشف و بحث: تعليم هر يك از بخشهاي فوق را چگونه مي‌توان با تعليم اين مثل مقايسه كرد.
يادداشتها:
1) هرگاه تمام تلاش خود را براي مصالحه با مدعي‌تان انجام داده باشيد، اما او هنوز مايل به رعايت عدالت و انصاف نباشد، يا در صورت لزوم مايل به بخشيدن نباشد، گناه تماماً و به‌تنهايي به گردن مدعي‌تان خواهد بود.
2) خدا بارها و بارها در مورد به تعويق انداختن هشدار مي‌دهد! هيچ تصميم مهمي را به فردا موكول نكنيد، زيرا فردا ممكن است خيلي دير باشد! زمان براي تصميمات مهم، نظير بازگشت، ايمان و مصالحه با برادر يا خواهر، هميشه الان است!